

## تدوین الگوی عوامل اثرگذار در عدالت جنسیتی جنبش المپیک

مریم بخشی<sup>۱</sup> - فریبا محمدیان<sup>۲\*</sup> - زهرا نوبخت رضانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

۲. استادیار، گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران ۳. استادیار، گروه تربیت

بدنی و علوم ورزشی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱، تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۲/۰۷)

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی عوامل اثرگذار در عدالت جنسیتی جنبش المپیک اجرا گردید. این پژوهش از منظر هدف بنیادی، از منظر ماهیت داده‌ها کیفی و کمی (آمیخته) متوالی، از منظر گردآوری داده‌ها توصیفی پیمایشی، با رویکرد مصاحبه و از منظر استراتژی، میدانی است. جامعه آماری، شامل کلیه مدیران زن وزارت ورزش و جوانان، کمیته ملی المپیک، فدراسیون‌های ورزشی و قهرمانان فراملی زن (۹۷۰ نفر) بودند. که ابتدا با استفاده از مصاحبه با ۳۸ نفر از متخصصان تا رسیدن به اشباع نظری، عوامل برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران شناسایی شدند. سپس نمونه‌گیری در بخش کمی به صورت خوشه‌ای و هدفمند متشکل از ۳۳۶ نفر انجام گرفت. ابزار پژوهش در بخش کیفی شامل مصاحبه‌های عمیق جهت ساخت الگوی پیشنهادی پژوهش با استفاده از تکنیک دلفی بوده و در بخش کمی نیز، پرسش‌نامه حاصل از بخش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا و الگوی کیفی ساختاری تفسیری انجام و در بخش کمی نیز از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که ۲۷ عامل فرعی و ۸ عامل اصلی به‌عنوان عوامل اثرگذار در عدالت جنسیتی جنبش المپیک ایران شناسایی شدند که عبارت بودند از: عوامل سیاسی و قانونی، اقتصادی، روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی، آموزشی، روان‌شناختی، بین‌المللی و عوامل فنی و تکنولوژیکی. بر اساس یافته‌های پژوهش، نگاه جنسیتی می‌بایست از ورزش حذف گردد و باور و اعتقاد قلبی به توانمند بودن زنان در ورزش با رعایت عدالت محوری نهادینه گردد. در همین راستا حاکمیت، سیاست، قوانین و مقررات، دین و مذهب، سیستم‌های مدیریتی و آموزشی و رسانه می‌توانند زمینه ساز این امر باشند. همچنین بهره‌مندی از نفوذ نهادهای سیاسی و دینی، حمایت نهادهای بین‌المللی، افزایش منابع مالی و مبارزات مدنی نیز همگی از جمله راهبردهای مناسب برای تحقق برابری جنسیتی در ورزش ایران به‌شمار می‌روند.

### واژه‌های کلیدی

جنبش المپیک، حمایت‌های بین‌المللی، عدالت جنسیتی، ورزش زنان.

## مقدمه

در دهه‌های اخیر حضور گسترده بانوان در تورنمنت‌هایی بین‌المللی نظیر المپیک مشهود بوده است. با این حال تبعیض و فاصله بسیار زیاد بین حقوق مردان و زنان در دنیای ورزش مسئله‌ای قابل توجه است. فضای دنیای ورزش هنوز بسیار مردسالارانه است و نابرابری در برخی از ورزش‌ها تعجب‌آور است (۱). نابرابری‌های اجتماعی به سه حوزه نابرابری نژادی، نابرابری طبقاتی و نابرابری جنسیتی تقسیم می‌شوند. منظور از نابرابری اجتماعی ایجاد موقعیت‌های نابرابری است که می‌تواند در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و آموزشی میان دو جنس مرد و زن ایجاد شود. این ساختار که می‌تواند بنیان‌های متعددی داشته باشد، شامل فرق‌گذاری‌هایی است که میان نژادها، طبقات اجتماعی و در قالب جنسیت میان دو جنس مرد و زن ایجاد می‌شوند. در بیشتر فرهنگ‌ها مردم علاقه خاصی به این تفاوت‌ها دارند (۲). از دید کارشناسان برابری جنسیتی بدان معنا است که زن و مرد حقوق و وظایف یکسان دارند و همه از فرصت‌های مساوی در جامعه برخوردار هستند (۳). برابری جنسیتی به باوری گفته می‌شود که هدفش عموماً حذف نابرابری‌های جنسیتی، تبعیض جنسیتی، نقش جنسیتی، مردسالاری، زن‌سالاری و جنسیت‌گرایی است. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد آبرابری جنسیتی را نخستین حق انسانی خوانده است. برابری جنسیتی همچنین به‌عنوان یکی از اهداف برنامه توسعه هزاره سازمان ملل متحد انتخاب شده است (۴). مسئله و موضوع محوری در حوزه نابرابری اجتماعی نیز دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی است که هم‌زمان

با افزایش آن در خصوص یک جنس با کاهش آن در مورد جنسی دیگر همراه است (۳). مسئله اصلی در حوزه نابرابری جنسیتی، مسئله جنسیت (تأکید بر تفاوت‌های غیر زیستی) است. جنسیتی که دست‌پرورده اجتماع و باورهای عرفی بوده و به نادرست ساختارهای تفاوت میان الگوهای مردانگی و زنانگی را محصول جبر طبیعت آن دو جنس (مرد و زن) معرفی می‌کند. در حقیقت، نابرابری جنسیتی عبارت است از برخورد یا عملی که بر اساس جنسیت افراد به تحقیر، طرد و ایجاد کلیشه زنانه و مردانه می‌پردازد و نگرشی است که زنان را فرودست و مردان را فرادست معرفی می‌کند. گرایشی که برای تکریم یک جنس (جنس مرد)، به تحقیر جنس دیگر (جنس زن) می‌پردازد (۲). در این میان، به دو اصطلاح جنس<sup>۳</sup> و جنسیت<sup>۴</sup> به‌منزله عوامل مؤثر و محرک در ساختار نابرابری جنسیتی باید اشاره کرد. جنس شامل تفاوت‌های زیست‌شناختی میان زن و مرد است و جنسیت نیز شامل تفاوت‌های برگرفته از باورهای اجتماعی میان زن و مرد می‌شود (۴). بدون تردید زنان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی هستند؛ عدم بهره‌وری از نیروی بالقوه زنان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دستیابی به توسعه را ناممکن یا سخت می‌سازد. در این میان در بحث نابرابری جنسیتی می‌توان از زوایای فردی، سازمانی و زمینه‌ای به موضوع پرداخت. به بیان دیگر به‌منظور شناسایی این ریشه‌ها و عوامل مؤثر بر نابرابری‌های جنسیتی نیاز است که منطبق بر یک چارچوب مفهومی قابل‌اعتماد و موردپذیرش اهل فن در این حوزه اقدام شود تا بتوان متغیرهای موردنظر و روابط میان آن‌ها را مشخص کرد. بر این اساس نظریه سه شاخکی فردی (رفتاری)<sup>۵</sup>، سازمانی (ساختاری)<sup>۶</sup> و محیطی (زمینه‌ای)<sup>۷</sup>

<sup>۵</sup> Behavior<sup>۶</sup> Structure<sup>۷</sup> Context<sup>۱</sup> sexism<sup>۲</sup> United Nations<sup>۳</sup> Sex<sup>۴</sup> Gender

و همکاران (۲۰۲۳) اشاره داشته است در حوزه نابرابری جنسیتی، مسئله جنسیت (تأکید بر تفاوت‌های غیر زیستی) است. جنسیتی که دست‌پرورده اجتماع و باورهای عرفی بوده و به نادرست ساختارهای تفاوت میان الگوهای مردانگی و زنانگی را محصول جبر طبیعت آن دو جنس (مرد و زن) معرفی می‌کند مهم‌ترین مسئله در برابری جنسیتی محسوب می‌شود (۹).

در کشورهای در حال توسعه مانند ایران برخورداری زنان از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی برای دستیابی آنان به پایگاه‌های اجتماعی مناسب و برابر با مردان کافی نیست. موانع سیاسی و ایدئولوژیک هم در این رهگذر نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند. بنابراین زنان ایرانی چاره‌ای جز روی آوردن به نهادهای مدنی و گستره همگانی ندارند. در قالب این نهادهاست که آنان می‌توانند جدای از نابرابری‌ها، سلطه‌گری‌های سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک موجود در بخش‌های رسمی و غیررسمی در کنار هم قرار گیرند و با هم تعامل پیدا کنند (۶) و با کسب اخلاق مدنی لازم در جهت تحقق اهداف جمعی عام و رهایی خود از زیر سلطه ساختارها و ایدئولوژی‌های حاکم بر بخش‌های رسمی و غیررسمی به مشارکت حقیقی و فعالیت‌های مدنی بپردازند. یکی از حوزه‌های مهم مشارکتی زنان در اجتماع موضوع انگیزه مشارکت در فعالیت‌های ورزشی زنان در جامعه و رویدادهای بین‌المللی در سطح جهان است. انگیزه مشارکت در رویدادهای ورزشی بین‌المللی به تفاوت‌های ساختاری، مدیریتی، حمایت بخش‌های خصوصی و همچنین ماهیت رشته‌های مختلف ورزشی برمی‌گردد در این میان نیز تفاوت‌های جنسیتی در رویدادهای ورزشی گوناگون بی‌تأثیر نیست (۹). اگرچه تلاش‌های فراوانی برای رسیدن به برابری جنسیتی و

مطرح می‌شود. علت نام‌گذاری این مدل به سه شاخکی آن است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به‌گونه‌ای است که هیچ پدیده‌ای نمی‌تواند خارج از تعامل این سه‌شاخه صورت پذیرد (۵،۱). و مقوله نابرابری جنسیتی از منظر فردی و رفتاری (خرد) کلیه عوامل مربوط به رفتار عینی زنان است که محتوای رفتاری در جامعه ایران را تشکیل می‌دهند و از جهات گوناگون سازنده رفتارهای زنان هستند. عوامل سازمانی و ساختاری (میانی) دربرگیرنده مجموعه روابط منظم حاکم بر اجزای متشکل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه که بدنه اصلی جامعه را ساخته و شامل عوامل نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مرتبط با عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظام اجتماعی جامعه ایران است. عوامل محیطی و زمینه‌ای (کلان) شامل محیط و شرایط بیرونی که بر این عوامل نابرابری جنسیتی سایه انداخته و سبب عوامل رفتاری و ساختاری است. این سه‌شاخه روابط تنگاتنگی داشته و در عمل از هم جدایی‌ناپذیرند و با هم تعامل دارند. درواقع نوع روابط موجود بین این سه‌شاخه از نوع لازم و ملزوم بوده و به مثابه سه‌شاخه روئیده از تنه واحد پدید آمده است (۶). در تحقیق کلانتری و فقیه ایمانی (۱۳۹۲) که از طریق فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده درباره نابرابری جنسیتی داشتند بیان کردند که عوامل اجتماعی (کلیشه‌های جنسیتی، نظام پدرسالاری و جامعه‌پذیری جنسیتی)، عوامل اقتصادی (اشتغال زنان) و عوامل زمینه‌ای (قومیت و تحصیلات) به ترتیب بیشترین عوامل ذکرشده و مؤثر در نابرابری جنسیتی هستند (۷). ارما و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) در تحقیقی با عنوان برابری جنسیتی در ورزش بیان داشت که مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها و قوانین حاکم بر کشورها، دیدگاه‌های مرد سالارانه و برخی از عوامل سیاسی هستند که بر برابری جنسیتی زنان در ورزش سایه افکنده‌اند (۸). والتون

<sup>۱</sup>. Sharma et al

افزایش تعداد زنان ورزشکار در المپیک صورت گرفته اما هنوز هم بین تعداد زنان و مردان در بسیاری از رقابت‌ها، خصوصاً میان مدیریت فدراسیون‌ها اختلاف زیادی وجود دارد و تبعیضات جنسی همچنان ادامه دارد. المپیک ۲۰۰۸ پکن با پارادوکس‌های فراوانی از وضعیت گیج‌کننده زنان ورزشکار جهان برگزار شد. حضور زنان مسلمان، چه محجبه و چه غیر محجبه در این دور از بازی‌های المپیک قابل توجه بوده و روزنه امیدی برای آینده روشن این زنان در دنیای ورزش است. سازمان ملل و کمیته بین‌المللی المپیک برای مقابله با نقض حقوق بشر و انواع تبعیض در هر کجای دنیا منشورها و کمیته‌های متعددی در دست دارند که به‌عنوان مثال در اهداف ذکر شده برای المپیک در منشور آن می‌خوانیم: «تلاش برای مقابله با هرگونه تبعیض که تهدیدی است برای جنبش المپیک، تلاش و پشتیبانی از ارتقای سطح ورزش زنان در تمام سطوح و در تمام ساختارها، تلاش برای تحقق برابری زنان و مردان». با این حال کمیته بین‌المللی المپیک از پیشگامان تخطی از سیاست‌ها و اهداف المپیک به‌شمار می‌رود. دلایل این ادعا هم کم نبوده و به نظر می‌رسد اکتفا به چند مورد کافی باشد؛ به طور مثال تنها ۱۶ نفر از ۱۱۰ عضو این کمیته را زنان تشکیل می‌دهند و تنها دو فدراسیون از ۳۵ فدراسیون ورزشی المپیک با ریاست زنان اداره می‌شود. همین امر در مورد مدیریت کمیته‌های ملی المپیک کشورهای مختلف صادق است. همچنین می‌توان به درخواست بی‌پاسخ بسیاری از فعالان حقوق بشر از جمله آنیتا دوفرانتز رئیس کمیسیون زنان و ورزش IOC برای تحریم دو کشور عربستان سعودی و برونی<sup>۱</sup> که حضور زنان ورزشکار در کاروان اعزامی خود به المپیک را منع کرده‌اند اشاره داشت. در مورد رشته‌های ورزشی نیز می‌توان گفت زنان هنوز از برخی رشته‌ها از جمله پرش اسکی و ورزش‌های ده‌گانه در

المپیک جامانده‌اند و این رشته‌ها تنها شاهد درخشش مردان ورزشکار است (۱۰). این مسئله در مورد رقابت‌های مختلف و رده‌بندی وزن‌ها برای یک رشته ورزشی نیز دیده می‌شود. یکی دیگر از پارادوکس‌های المپیک هم حذف همزمان بیس‌بال مردان و سافتبال زنان از لیست بازی‌های المپیک است. اگرچه کارنامه بیس‌بال مردان با مشکلات زیادی در قراردادهای بازیکنان حرفه‌ای و پرونده‌های دوپینگ همراه بوده است اما در کارنامه سافتبال زنان هیچ نکته مبهم و نقطه تاریکی وجود نداشته است. سافتبال با اینکه برای ریشه دواندن و شکوفایی خود راه دشواری را طی کرده و در حال حاضر توسط هزاران دختر از ۱۳۱ کشور جهان دنبال می‌شود و رشد آن هم همچنان ادامه دارد اما به‌طور ناگهانی و بی‌هیچ توجیه قانع‌کننده‌ای از المپیک حذف می‌شود. کمتر کسی است که بتواند منکر تأثیر مثبت حضور در المپیک برای یک رشته ورزشی و ورزشکاران آن باشد. به‌عنوان مثال ورود کشتی زنان در بازی‌های المپیک و به دنبال آن راهیابی زنان کشتی‌گیر به المپیک در تغییر دیدگاه عموم مردم و مسؤولان نسبت به کشتی زنان و نیز استقبال دختران و زنان بیشتر به این رشته ورزشی بسیار مؤثر بوده است. ۴۲ درصد از ورزشکاران المپیک ۲۰۰۸ پکن را زنان تشکیل دادند که این مورد در مقایسه با ۲۶ درصد در المپیک ۱۹۷۶ نشان از رشد چشمگیری ورزش زنان داشته است. این افزایش تعداد زنان ورزشکار در بازی‌های المپیک تغییرات زیادی در وضعیت کلی ورزش زنان داشته است. ناتراس، یکی از قهرمانان تیراندازی با کمان از کانادا است که این رشته را به‌صورت حرفه‌ای و رقابتی با مردان تیرانداز آغاز کرده، چراکه تا سال ۱۹۷۶ تیراندازی زنان در لیست بازی‌های المپیک وجود نداشت. به نظر او برخی از این تغییرات عبارتند از افزایش فرصت‌ها، رقابت‌ها، رشته‌های المپیکی، تعداد رهبران

<sup>۱</sup> Brunei

بارزی در گرایش زنان به ورزش دارد؛ شناسایی موانع جنسیتی از منظر زنان ورزشکار است (۱۳). از همین رو مطالعه حاضر با مطالعه دیدگاه زنان ورزشکار نسبت به نابرابری جنسیتی در ورزش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که عوامل اثرگذار در عدالت جنسیتی در جنبش المپیک ایران شامل چه مواردی است؟

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از منظر هدف بنیادی، از منظر ماهیت داده‌ها کیفی - کمی (آمیخته متوالی)، از منظر گردآوری داده‌ها توصیفی پیمایشی، با رویکرد مصاحبه و از منظر استراتژی میدانی است. با توجه به ماهیت اکتشافی موضوع تحقیق از طرح پژوهش آمیخته اکتشافی متوالی استفاده شد که در دو فاز کیفی و کمی به انجام رسید. جامعه هدف در بخش کیفی متشکل از مدیران (۹ نفر)، مسئولین (۵ نفر)، مدیران کل و معاونین ورزش استان‌ها (۸ نفر)، قهرمانان ملی زن کشور (۵ نفر) و مسئولین زن وزارت ورزش و جوانان (۴ نفر)، کارشناسان خبره ورزشی در حوزه بانوان (۸ نفر)، حقوق دان‌ها و اعضای هیئت‌علمی (۶ نفر) است که به صورت هدفمند برای مصاحبه‌های کیفی در موضوع تحقیق انتخاب شدند و از نمونه‌گیری گلوله برفی و انتخاب خبرگان با حداکثر نوسان استفاده گردید که در نهایت نیز تا رسیدن محقق به حد اشباع، افراد مورد مصاحبه قرار گرفتند. جهت انتخاب هدفمند مصاحبه‌شونده، فهرستی از افراد توانمند در حوزه مدیریت ورزش توسط محقق (تأیید اساتید راهنما و مشاور) تهیه و سپس با مراجعه به آنان (دیدار حضوری و مکالمه تلفنی) با تمایل و موافقت، مصاحبه انجام شد. در فرایند مصاحبه با افراد موردنظر انجام شد. در صورت معرفی فرد دارای تخصص در زمینه تحقیق از سوی مصاحبه‌شونده، با آنها نیز مصاحبه صورت می‌گرفت. شایان ذکر است که در

تیم‌های ورزشی و مقامات و مسئولان زن ورزشی (۹). امروزه در بیشتر رشته‌های ورزشی، زنان در ایران از فرصت‌های برابر برای شرکت در رقابت‌های ورزشی برون مرزی و در برخی مواقع حتی در سطح ملی محروم بوده و با محدودیت‌هایی مواجهند. محدودیت‌های ساختاری و مدیریتی، محدودیت‌های مالی و امکاناتی، محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله این محدودیت‌ها هستند، ولی این محرومیت‌ها در ایران به مراتب نسبت به سایر کشورها در سطح بین‌المللی بسته به شرایط موجود کشور برجستگی بیشتری دارد (۱۰). اشکال مختلف تبعیض در ورزش زنان در جهان به خصوص ایران شامل؛ نابرابری دستمزدها، نابرابری امکانات در دسترس ورزشی برای ارتقای زنان ورزشکار، پوشش رسانه‌ای اندک ورزش بانوان در ایران، حضور کمتر مسئولان زن در ارگان‌های ورزشی و اختصاص بودجه کم به ورزش بانوان و همچنین وجود قوانین به سود مردان است (۱۱) که زنانشان را از انجام فعالیت‌های ورزشی با این توجیه که ورزش متعلق به مردان است حذف کنند. همچنین عدم اجازه زنان برای حضور در بسیاری از رشته‌های ورزشی به بهانه مغایرت با موازین شرعی نیز یکی از چالش‌هاست که نیاز به توجه جدی دارد (۱۲). این درحالی است که رفته رفته برخی از ایرادات شرعی نیز در جامعه ایران مرتفع شده است و برخی رشته‌ها با رعایت موازین شرعی مجوز فعالیت گرفته‌اند. نگاهی به مشارکت و حضور زنان در ورزش قهرمانی و همگانی بیانگر تبعیض آشکار در این مقوله است. امروزه نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی در جامعه ایران پررنگ‌تر از گذشته شده است. اما باوجود سیر فزاینده حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، مشارکت و حضور آنان در رویدادهای ورزشی بین‌المللی محدود است. به نظر می‌رسد عوامل مختلفی در زمینه نابرابری جنسیتی در ورزش دخیل هستند که مطالعه تک تک این موارد نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد، یکی از محورهایی که نقش

فرایند تحقیق کیفی جهت پربارتر شدن داده‌ها سعی شد، گروه‌های متنوعی مورد مصاحبه قرار بگیرند تا از سوگیری داده‌ها اجتناب شود. در این مطالعه تعداد ۳۸ نفر (به‌مرور) انتخاب شدند. در واقع از مصاحبه نفر بیست و سوم به‌بعد، تکرار در اطلاعات دریافتی مشاهده گردید اما برای اطمینان تا نفر سی و هشتم ادامه یافت و از مصاحبه نفر سی‌ام به بعد داده‌ها کاملاً تکراری شد و به اشباع نظری رسید. جمع آوری اطلاعات از خرداد ۱۴۰۰ آغاز گردید. مصاحبه با طرح سؤال " عوامل اثرگذار در عدالت جنسیتی در جنبش المپیک کدامند؟ " آغاز می‌شد (مصاحبه نیمه ساختاریافته) و باقی پرسش‌ها نظیر (ابعاد نابرابری جنسیتی از منظر زنان ورزشکار در ورزش ایران چیست؟ جنبه‌های مختلف این نابرابری از منظر این زنان شامل کدام موارد است؟ اولویت بندی عوامل تأثیرگذار در برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران چگونه است؟ چه نظری درباره‌ی میزان حضور زنان در ورزش‌های المپیک ایران دارید؟ آیا این حضور کافی است؟ آیا زنان در سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری در ورزش ایران مشارکت کافی دارند؟ مثلاً، در کمیته‌های ورزشی یا فدراسیون‌ها؟ آیا برنامه‌های خاصی برای شناسایی و پرورش استعداد‌های ورزشی زنان وجود دارد؟ اگر بله، چقدر موفق بوده‌اند؟ نقش رسانه‌ها در ترویج برابری جنسیتی در ورزش چیست و آیا پوشش خبری برای موفقیت‌های ورزشی زنان کافی است؟ بزرگ‌ترین چالش‌ها در مسیر برابری جنسیتی در ورزش ایران کدامند و چه فرصت‌هایی برای بهبود شرایط وجود دارد؟ چگونه می‌توان این موضوع را به یک‌روند پایدار تبدیل کرد که نسل‌های آینده نیز از آن بهره‌مند شوند؟) براساس مبانی نظری و با رویکرد تئوری سقف شیشه‌ای مطرح می‌گردید و در نهایت سؤال‌های نهایی بر اساس پاسخ‌های مصاحبه‌شونده طرح می‌شد. مدت زمان هر مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا ۲ ساعت (بسته به نظر فرد) بود و در بعضی موارد در دو جلسه انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها ثبت گردید

و برای استخراج نکات کلیدی چندین بار مورد بررسی قرار گرفت. در بخش کمی کلیه مدیران وزارت ورزش و جوانان (۱۷۵ نفر)، فدراسیون‌های ورزشی (۹۳ نفر)، ادارات کل ورزش و جوانان (۳۸ نفر)، کارشناسان خبره زن در وزارت ورزش و جوانان (۴۱ نفر) و قهرمانان فراملی کشور (۶۲۳ نفر) مجموعاً ۹۷۰ نفر از این افراد بودند، که بر اساس فرمول کوکران و با خطای ۹۵٪، ۲۷۵ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. با توجه به اطمینان بیشتر ۲۵٪ به حداقل نمونه اضافه گردید و ۳۴۳ پرسشنامه برای کارکنان ارسال گردید، در نهایت ۳۳۶ پرسشنامه بدون نقص و تکمیل شده بازگشت داده شد، که در این پژوهش از ۳۳۶ پرسشنامه بدون نقص جهت تجزیه و تحلیل استفاده گردید. برای انتخاب نمونه از نمونه‌گیری غیر احتمالی هدفمند استفاده شده است. نمونه‌گیری هدفمند مستلزم گزینش بخشی از جامعه است که اعضای آن بر پایه داوری محقق (یا کارشناسان و متخصصان) مشخص می‌شوند. در این روش نمونه‌گیری معیارهای پذیرش نمونه مطرح می‌شود و بر مبنای آن افرادی به‌منظور نظرسنجی در خصوص مورد تحقیق گزینش می‌شوند. برای گردآوری اطلاعات در بخش کیفی و کمی از جامعه آماری مد نظر از روش میدانی و ابزارهای مصاحبه نیمه ساختاریافته و پرسش‌نامه استفاده شده است. همچنین در این تحقیق جهت تجزیه مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته از دسته‌بندی‌ها استفاده شد. دسته بندی‌ها اغلب به‌صورت کدها یا کلمات کلیدی نام گذاری شده‌اند، اما به هر چیزی که نام‌گذاری شوند، همه آنها این قابلیت را دارند که داده‌ها را سازماندهی و سیستماتیک کنند، اغلب حتی به‌عنوان کدهای تحلیلی کار می‌کنند. کدهای تحلیلی نتیجه یک فرایند تحلیلی است که از تعیین یک موضوع فراتر می‌رود. کدگذاری اطلاعات نیز به‌کمک نرم‌افزار MaxQDA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نرم افزار MaxQDA برای کدگذاری و تحلیل داده‌ها در

رویکردهای مختلف پژوهش کیفی استفاده می‌شود. برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از بخش کمی، از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. این تحلیل با استفاده از نرم‌افزار آماری Smart PLS انجام گرفت.

## یافته‌ها

جدول ۱. خلاصه نتایج حاصل از اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه آماری کیفی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۶
	زن	۳۲
سابقه شغلی	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	۲۵
	بالای ۱۵ سال	۱۳
میزان تحصیلات	کارشناسی‌ارشد	۱۸
	دکتری	۲۰
سن	بین ۳۰ الی ۴۰ سال	۱۲
	۴۰ الی ۵۰ سال	۱۷
	بالای ۵۰ سال	۹
جمع	۳۸	۱۰۰

جدول ۲. خلاصه نتایج حاصل از اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه آماری کمی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی	فراوانی	درصد	
جنسیت	مرد	۱۴۷	
	زن	۱۸۹	
سن	زیر ۳۰ سال	۴۷	
	۳۰ الی ۴۰ سال	۱۰۴	
	۴۰ الی ۵۰ سال	۱۳۳	
بالای ۵۰ سال	۵۲	۱۵/۵	
	دیپلم	۱۳	۳/۹
تحصیلات	کاردانی	۲۷	۸/۰
	کارشناسی	۱۴۳	۴۲/۶
	کارشناسی‌ارشد و دکتری	۱۵۳	۴۵/۵
سابقه شغلی	زیر ۱۰ سال	۷۶	۲۲/۶
	۱۰ الی ۱۵ سال	۸۸	۲۶/۲
	بالای ۱۵ سال	۱۷۲	۵۱/۲
جمع	۳۶۶	۱۰۰	

محوری گردید که به شرح جدول (۳) است. نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب شده از

با توجه به مصاحبه‌ها، کدگذاری‌هایی صورت گرفت، یافته‌های کدگذاری باز منجر به بخش بندی کدگذاری

مصاحبه‌ها و اسناد به درون مفاهیم و دسته بندی‌هایی است که در این سؤالات مشابه هستند.

### جدول ۳. یافته‌های کدگذاری محوری بر اساس کدگذاری باز

تعداد تکرار مفاهیم در کدگذاری باز	کدگذاری محوری
۴	نگرش جامعه نسبت به ورزش زنان
۹	حمایت خانواده
۱۲	رسانه‌ها و تبلیغات
۷	نگرش عمومی
۳	الگوهای اجتماعی
۱۵	قوانین و سیاست‌های حمایتی
۱۳	نقش زنان در مدیریت ورزشی
۸	سیاست‌های حمایتی
۶	شرکت زنان در تصمیم‌گیری
۴	اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز
۱۱	دسترسی به منابع مالی
۷	زیرساخت‌ها
۱۲	اسپانسرها
۱۲	برنامه‌های آموزشی
۸	آموزش مربیان
۵	توسعه مهارت‌ها
۱۱	اعتماد به نفس
۹	مدیریت استرس
۱۵	توسعه مهارت‌های روانی
۱۷	نقش الگوها
۴	ایجاد حس تعلق
۱۱	سلامت روان
۷	الگوهای بین‌المللی
۱۲	مشارکت در مسابقات بین‌المللی
۱۲	تجارب جهانی
۸	شبکه‌سازی
۱۲	استفاده از فناوری

در ادامه بر اساس سؤالاتی که در پژوهش تعیین شده است به استخراج کدهای انتخابی پرداخته شد و در جدول (۴) ارائه گردید.

### جدول ۴. کدگذاری انتخابی بر اساس کدگذاری باز و محوری

کدهای انتخابی	کدگذاری محوری
عامل اول: عوامل فرهنگی و اجتماعی	نگرش جامعه نسبت به ورزش زنان
	حمایت خانواده
	رسانه‌ها و تبلیغات

کدهای انتخابی	کدگذاری محوری
عامل دوم: عوامل سیاسی و قانونی	نگرش عمومی
	الگوهای اجتماعی
	قوانین و سیاست‌های حمایتی
	نقش زنان در مدیریت ورزشی
	سیاست‌های حمایتی
عامل سوم: عوامل اقتصادی	شرکت زنان در تصمیم‌گیری
	اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز
	دسترسی به منابع مالی
عامل چهارم: عوامل آموزشی	زیرساخت‌ها
	اسپانسرها
	برنامه‌های آموزشی
عامل پنجم: عوامل روان‌شناختی	آموزش مربیان
	توسعه مهارت‌ها
	اعتماد به نفس
عامل ششم: عوامل فردی	مدیریت استرس
	توسعه مهارت‌های روانی
	نقش الگوها
عامل هفتم: عوامل بین‌المللی	ایجاد حس تعلق
	سلامت روان
	الگوهای بین‌المللی
عامل هشتم: عوامل فنی و تکنولوژیکی	مشارکت در مسابقات بین‌المللی
	تجارب جهانی
	شبکه‌سازی
	استفاده از فناوری

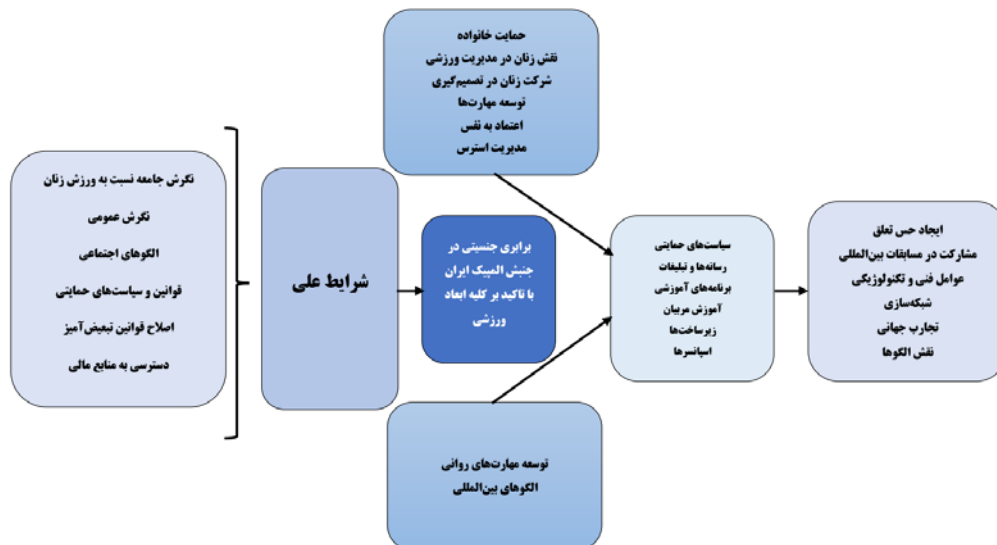
در نهایت بر اساس روش داده‌بنیاد جدول (۵) و شکل

(۱) به دست آمده است:

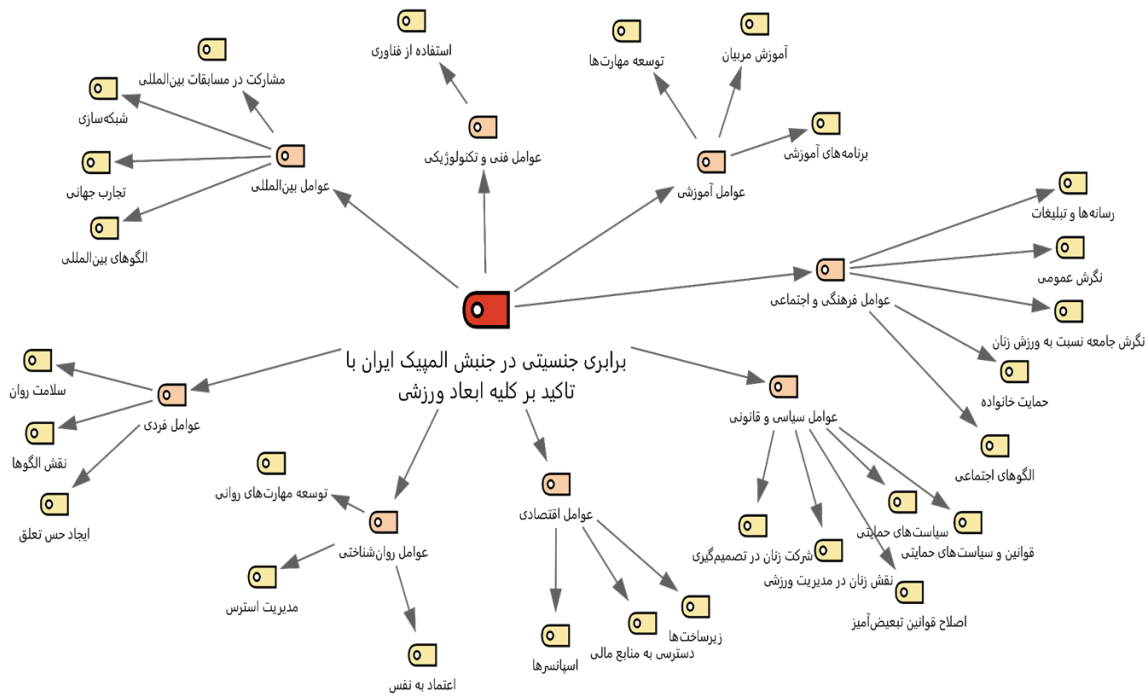
#### جدول ۵. مشخصات عوامل پژوهش

نوع عامل	شاخص‌های خروجی یافته
عوامل علی	نگرش جامعه نسبت به ورزش زنان
	نگرش عمومی
	الگوهای اجتماعی
	قوانین و سیاست‌های حمایتی
	اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز
عوامل راهبردی	دسترسی به منابع مالی
	سیاست‌های حمایتی
	رسانه‌ها و تبلیغات
	برنامه‌های آموزشی
	آموزش مربیان
	زیرساخت‌ها

نوع عامل	شاخص‌های خروجی یافته
	اسپانسرها
عوامل زمینه‌ای	حمایت خانواده نقش زنان در مدیریت ورزشی شرکت زنان در تصمیم‌گیری توسعه مهارت‌ها اعتماد به نفس مدیریت استرس سلامت روان
عوامل پیامد	ایجاد حس تعلق مشارکت در مسابقات بین‌المللی عوامل فنی و تکنولوژیکی شبکه‌سازی تجارب جهانی نقش الگوها
عوامل محیطی	توسعه مهارت‌های روانی الگوهای بین‌المللی



شکل ۱. مدل داده‌بنیاد پژوهش



شکل ۲. خروجی کدهای محوری و کدهای انتخابی

شد. سه نظریه در ارتباط با بارهای عاملی وجود دارد. عده ای معتقدند که باید بارهای عاملی بالاتر از ۰.۵۰ باشند، عده ای دیگر معتقدند که بارهای عاملی باید بالاتر از ۰.۳۰ باشند (مهر و چارستاد، ۱۳۸۰) و گروه سوم بارهای عاملی را بالاتر از ۰.۷۰ می‌دانند. طبق نظریه‌ی دوم بارهای عاملی که در جدول (۶) مشخص شده‌اند چون ۷ عامل بیشتر از ۰.۳۰ هستند بنابراین از ۸ عامل ۷ عامل معنی‌دار هستند.

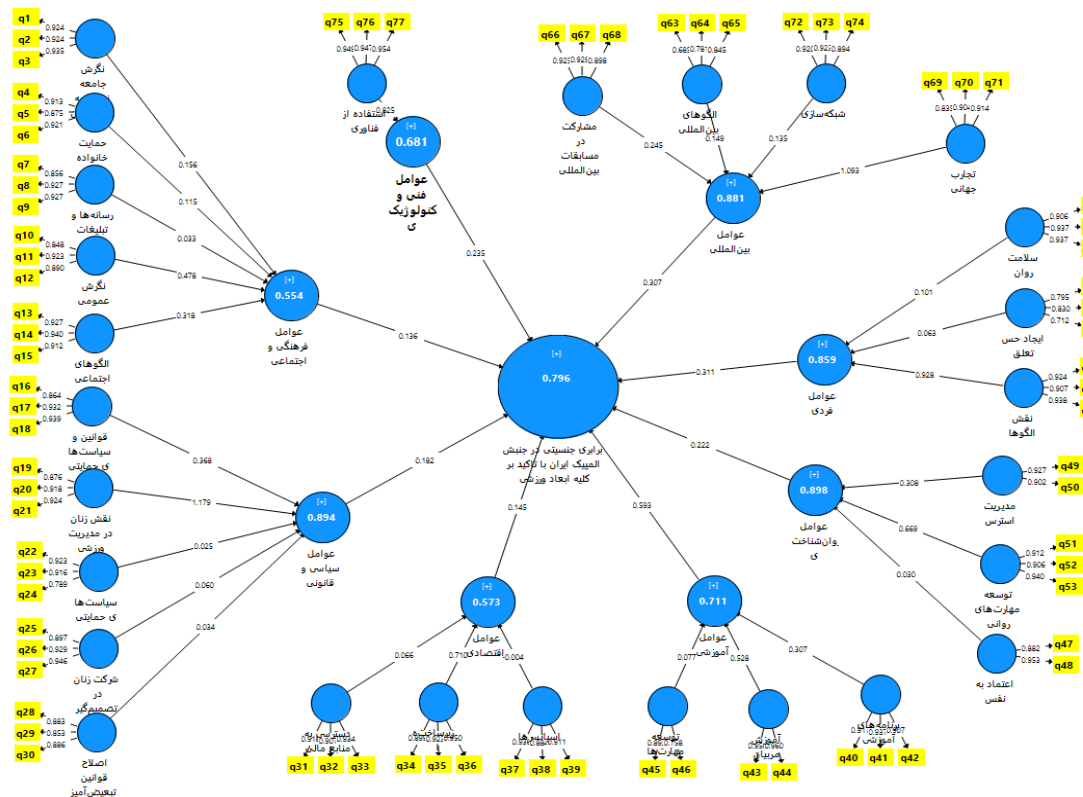
به‌منظور پی بردن به کفایت نمونه برداری در تحلیل عاملی از آزمون کیزر-می‌بر-الکین استفاده شد. که نتایج ۰/۷۱۸ گزارش گردید و مورد تأیید قرار گرفت. همچنین انجام تحلیل عاملی با توجه به سطح معناداری (P < ۰/۰۱) آزمون بارتلت، نشان از مناسب بودن داده‌ها برای تحقیق را دارد. به‌منظور شناسایی ذهنیت‌های مشابه بین مشارکت‌کنندگان پژوهش از ابزار آماری تحلیل عاملی کیو استفاده

جدول ۶. بارهای عاملی معنی‌دار

نماد	مولفه‌ها	بار اشتراکی
P1	عوامل فرهنگی و اجتماعی	۰/۳۵۱۲
P2	عوامل سیاسی و قانونی	۰/۸۱۸۶
P3	عوامل اقتصادی	۰/۷۳۲۶
P4	عوامل آموزشی	۰/۳۴۴۹
P5	عوامل روان‌شناختی	۰/۳۴۶۵
P6	عوامل فردی	۰/۷۲۰۹

1. Kaiser-Mayer-Olkin (KMO)

۰/۳۰۹۳	عوامل بین‌المللی	P7
۰/۲۹۳۰	عوامل فنی و تکنولوژیکی	P8



شکل ۳. بار عاملی مدل پژوهش

ایران با تأکید بر کلیه ابعاد ورزشی مطلوب است و روابط به شرح جدول (۷) گزارش شده است.

معیار GOF، مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنی که توسط این معیار، محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش، برازش بخش کلی را نیز کنترل نماید. معیار GOF توسط تنهاوس و همکاران (۲۰۰۴) ابداع گردید و طبق فرمول زیر محاسبه می‌گردد. مقدار برازش کلی مدل پژوهش نیز به شرح زیر است:

$$GOF = \sqrt{0/731 \times 0/868} = 0/786$$

با توجه به مقدار برازش به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت برازش مدل پژوهش در سطح مطلوبی است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته مدل معادلات ساختاری تحلیل الگوی مناسب برای برابری جنسیتی در جنبش المپیک

جدول ۷. نتایج فرضیه روابط موجود (آزمون مدل نهایی) پژوهش

روابط بین عوامل	میزان اثر	ضریب معناداری	سطح معنی داری	نتیجه فرضیه
فرهنگی و اجتماعی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۱۳۶	۲/۹۶۸	۰/۰۰۱	اثر مثبت
سیاسی و قانونی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۱۸۲	۲/۰۲۰	۰/۰۰۱	اثر مثبت
اقتصادی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۱۴۵	۲/۷۴۱	۰/۰۰۱	اثر مثبت
آموزشی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۵۹۳	۷/۴۰۱	۰/۰۰۱	اثر مثبت
روانشناختی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۲۲۲	۲/۵۵۶	۰/۰۰۱	اثر مثبت
فردی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۳۱۱	۳/۸۷۶	۰/۰۰۱	اثر مثبت
بین‌المللی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۳۰۷	۳/۰۱۷	۰/۰۰۱	اثر مثبت
فنی و تکنولوژیکی ← برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران	۰/۲۳۵	۲/۵۱۴	۰/۰۰۱	اثر مثبت

### بحث و نتیجه‌گیری

کمک کند (۱۵). در نهایت، این پژوهش با هدف تدوین الگوی عوامل اثرگذار در عدالت جنسیتی در جنبش المپیک انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که با توجه به نگرش مطلوب مدیران و خبرگان ورزشی کشور به اشتغال زنان در ورزش به نظر می‌رسد با رشد آگاهی‌ها و کم رنگ شدن تفکرات کلیشه‌ای پیشین در این زمینه، اعتقاداتی نظیر اینکه "زنان می‌توانند در شغل‌های مرتبط با ورزش موفق باشند، از اعتماد به نفس مورد نیاز برخوردارند، به اندازه کافی رقابتی هستند و برای موفقیت در ورزش در صورت نیاز می‌توانند از حالت تهاجمی استفاده کنند" در قالب نگرش مطلوب به توانایی شغلی و مهارتی زنان در ورزش ایران، تبدیل به یک واقعیت شده است. بر این اساس و با توجه به اینکه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار، موزون و همه جانبه در همه بخش‌ها از جمله ورزش کشور باید زنان و مردان با کوششی آگاهانه ایفای نقش کنند و بهره‌ای معادل بگیرند و از آن جایی که اشتغال برای زنان اهمیتی فراتر از کسب استقلال مالی و دستیابی به امنیت اقتصادی دارد- زیرا آنان از این طریق می‌خواهند با استفاده از توانایی‌هایشان از نقش‌های خانگی خود فراتر روند و به شأن و منزلت اجتماعی و اعتماد به نفس بیشتری در جامعه دست یابند (۲۰). به نظر می‌رسد سیاست‌گزاران و برنامه‌ریزان در کشور باید با شناخت نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی زنان و استفاده از راهکارهای اثربخش برای

برابری جنسیتی در ورزش یکی از مباحث کلیدی و مهم در عصر حاضر است که به‌ویژه در جوامع در حال توسعه از جمله ایران، به‌عنوان یک چالش جدی مطرح می‌شود. جنبش المپیک به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین رویدادهای ورزشی جهان، متعهد به ترویج اصول برابری و عدالت اجتماعی است. تحقق برابری جنسیتی، نه‌تنها منجر به افزایش مشارکت زنان در ورزش می‌شود بلکه به تحکیم پایه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه نیز کمک می‌کند. در ایران، با وجود پیشرفت‌هایی که در زمینه حضور زنان در رشته‌های ورزشی مختلف صورت گرفته است (۱۴)، همچنان موانع فرهنگی، اجتماعی و ساختاری بسیاری وجود دارد که بر سر راه برابری جنسیتی در ورزش قرار دارد. این پژوهش به بررسی ابعاد مختلف برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران می‌پردازد و تلاش خواهد کرد تا تحلیل جامعی از وضعیت کنونی، چالش‌ها و فرصت‌های موجود ارائه دهد. از منظر تاریخی، بررسی روند حضور زنان در ورزش‌های المپیک و همچنین تحلیل سیاست‌های ملی در این زمینه می‌تواند به درک بهتری از تحولات و پیشرفت‌ها کمک کند. همچنین توجه به ابعاد روانشناختی، اجتماعی و اقتصادی برابری جنسیتی در ورزش می‌تواند به برای شناسایی ریشه‌های مسائل و پیشنهاد راهکارهای مؤثر

ورزش زنان و ایجاد نگرش مثبت نسبت به آن نقش مؤثری ایفا کنند (۱۱). این نگرش باید از طریق سیاست‌های آموزشی و برنامه‌های فرهنگی تقویت شود تا به مرور زمان به یک رویکرد جافتاده تبدیل گردد. الگوهای اجتماعی شامل رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌هایی است که از طریق تعاملات اجتماعی منتقل می‌شوند. در صورتی که جامعه الگوهای موفق از زنان ورزشکار را معرفی کند و آن‌ها را به عنوان قهرمانان اجتماعی بپذیرد، می‌تواند انگیزه بیشتری برای دختران و زنان فراهم کند. به‌عنوان مثال، موفقیت زنان در المپیک و رویدادهای بین‌المللی می‌تواند به‌عنوان الگویی برای دیگران عمل کند و به شکستن تابوهای اجتماعی کمک کند. تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی بر برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران، نیازمند یک رویکرد چند جانبه است. تقویت نگرش مثبت جامعه نسبت به ورزش زنان، حمایت خانواده‌ها، عملکرد رسانه‌ها، تغییر نگرش عمومی و معرفی الگوهای اجتماعی موفق می‌تواند به تحقق برابری جنسیتی در عرصه‌های ورزشی کمک کند. برای پیشبرد این اهداف، لازم است برنامه‌های آموزشی و فرهنگی مداوم اجرا شود و بازیگران کلیدی در این عرصه فعال شوند (۴).

عوامل سیاسی و قانونی نقش کلیدی و مهمی در ترویج برابری جنسیتی در حوزه ورزش ایفا می‌کنند. این عوامل می‌توانند به ایجاد زمینه‌های لازم برای تغییر وضعیت موجود کمک کنند (۵). وجود قوانین و سیاست‌های حمایتی که به برابری جنسیتی در ورزش کمک کنند، به طور مستقیم بر افزایش مشارکت و فرصت‌های برابر برای زنان تأثیر می‌گذارد. این قوانین می‌توانند شامل تسهیلات مالی، حمایت از برنامه‌های ورزشی مختص زنان، و تشویق به ایجاد زیرساخت‌های ورزشی برابر برای مردان و زنان باشند. سیاست‌هایی که به ترویج و توسعه ورزش زنان می‌پردازند، می‌توانند به ارتقای سطح فعالیت‌های ورزشی و

تحقق این نیازها به‌گونه‌ای وظیفه حفظ و توسعه این حضور اجتماعی زنان را بپذیرند که آنان بتوانند علاوه بر ایفای نقش‌های مهم در خانواده، چنان انگیزه‌ای پیدا کنند که بتوانند سهم بیشتری در جریان توسعه ورزش کشور به عهده بگیرند و به همان نسبت بتوانند از مواهب این توسعه بهره‌مند شوند. نتایج این پژوهش همسو با پژوهش‌های ملکی و همکاران (۱۳۹۹) (۱۶)، سعادت‌ی فرد و همکاران (۱۴۰۰) (۱۷)، شمالی و کشکر (۱۴۰۰) (۱۸)، امامی و همکاران (۱۴۰۰) (۱۹)، رهبری و همکاران (۱۴۰۰) (۲۰)، کانینگهام (۲۰۱۸) (۲۱)، منوسه و ابلی (۲۰۱۹) (۲۲)، استارواوسکی و همکاران (۲۰۲۰) (۲۳)، ژو و همکاران (۲۰۲۱) (۲۴)، پلیدی و همکاران (۲۰۲۱) (۲۵)، اورگانیستا و همکاران (۲۰۲۱) (۲۶) بوده است. در تبیین هر کدام از مولفه‌های به‌دست آمده می‌توان چنین اظهار داشت، عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش کلیدی در شکل‌دهی به برابری جنسیتی در ورزش دارند. نگرش کلی جامعه به ورزش زنان، به‌طور مستقیم بر مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی تأثیر دارد. اگر جامعه از ورزش زنان حمایت کند و آن را به عنوان یک بخش طبیعی از زندگی اجتماعی بپذیرد، احتمالاً زنان بیشتری در این حوزه فعالیت خواهند کرد. برعکس، اگر جامعه بر این باور باشد که ورزش مختص مردان است و جایگاه زنان در ورزش نادیده گرفته شود، زنان با موانع بیشتری روبه‌رو خواهند شد. خانواده به‌عنوان اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر انگیزه و مشارکت زنان در فعالیت‌های ورزشی داشته‌باشد. حمایت خانواده از دختران برای شرکت در ورزش می‌تواند به ارتقا خودباوری و افزایش اعتماد به نفس در آن‌ها منجر شود. در مقابل، عدم حمایت خانواده می‌تواند به احساس محدودیت و سرخوردگی در زنان و دختران بدل شود و مانع از فعالیت‌های ورزشی آن‌ها گردد. رسانه‌ها به‌عنوان ابزارهای قدرتمند شکل‌دهی به افکار عمومی، می‌توانند در ترویج

تعداد شرکت‌کنندگان و کیفیت آموزش‌های ورزشی کمک کند. دسترسی به منابع مالی همچنین می‌تواند شامل حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی و توسعه‌ای باشد که به شناسایی و رفع موانع پیش روی ورزش زنان کمک می‌کند (۱۹). به‌علاوه، فراهم‌آوری کمک‌های مالی به تیم‌ها و ورزشکاران زن، می‌تواند انگیزه و توانمندی آن‌ها را افزایش دهد و به موفقیت‌های بیشتر در عرصه رقابت‌های ملی و بین‌المللی منجر شود. توسعه زیرساخت‌های ورزشی جامع و مناسب برای زنان یکی از الزامات برابری جنسیتی در ورزش است. این زیرساخت‌ها شامل استادیوم‌ها، سالن‌های ورزشی، استخرها و دیگر امکانات ورزشی است که باید به گونه‌ای طراحی و راه‌اندازی شوند که دختران و زنان به راحتی به آن دسترسی داشته باشند. همچنین، ایجاد فضاهای مخصوص ورزش زنان، مانند کلوب‌هایی برای تمرینات و برگزاری مسابقات، می‌تواند به رونق ورزش زنان کمک کند. این زیرساخت‌ها باید به گونه‌ای معین و کارآمد ساخته شوند تا از موانع فرهنگی و اجتماعی که ممکن است بر سر راه ورزش زنان وجود داشته باشد، جلوگیری کنند. جذب اسپانسرها به‌عنوان یک عامل کلیدی اقتصادی می‌تواند نقش مهمی در حمایت مالی از ورزش زنان ایفا کند (۲۸). اسپانسرها با تأمین منابع مالی، می‌توانند به تیم‌ها و ورزشکاران زن کمک کنند تا تجهیزات لازم را تهیه کنند و در رویدادهای مختلف شرکت کنند. همچنین، همکاری با شرکت‌های تجاری و برندها می‌تواند به ترویج تصویر مثبت و موفقیت‌آمیز از ورزش زنان در جامعه کمک کند. به‌علاوه، اسپانسرها می‌توانند با استفاده از پلتفرم‌های تبلیغاتی خود، موفقیت‌های زنان را به نمایش بگذارند و تحت این شرایط، الگویی مثبت برای جوانان و جامعه ایجاد کنند (۳۰). عوامل اقتصادی همچون دسترسی به منابع مالی، توسعه زیرساخت‌ها و جذب اسپانسرها، در راستای برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران از اهمیت بالایی

حضور زنان در رویدادهای بین‌المللی کمک کنند. حضور زنان در سطوح مدیریتی ورزش به‌معنای دارا بودن توانایی و اقتدار برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کلیدی و سیاست‌های ورزشی است. این حضور می‌تواند به بهبود نمایندگی زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و ایجاد سیاست‌های مؤثر در راستای برابری جنسیتی منجر شود (۶). همچنین مدیران زن به‌عنوان الگو می‌توانند سایر زنان را به فعالیت در عرصه‌های ورزشی تشویق کنند و محیطی را فراهم آورند که پذیرش و حمایت از ورزش زنان افزایش یابد. سیاست‌های حمایتی تخصصی که به‌دنبال رفع نابرابری‌های موجود در ورزش‌اند، می‌توانند تأثیر به‌سزایی در ارتقا مشارکت زنان داشته باشند. این سیاست‌ها می‌توانند شامل کمک‌های مالی، برنامه‌های توانمندسازی و تشکیل انجمن‌ها و شبکه‌های ورزشی برای زنان باشد. همچنین، این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که از ایجاد موانع فرهنگی و اجتماعی جلوگیری کرده و برابری فرصتی را برای زنان فراهم آورد. شرکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری در سطوح مختلف، از جمله کمیته‌های ورزشی و مدیریتی، به ترویج برابری جنسیتی کمک می‌کند. این شرکت مستلزم آن است که زنان به‌عنوان نمایندگان از جامعه ورزش، بر روی تصمیمات تأثیرگذار باشند. هر چه تعداد زنان در این فرآیندها افزایش یابد، احتمال اینکه نگرانی‌ها و نیازهای آن‌ها در سیاست‌گذاری‌ها منعکس شود، بیشتر خواهد بود (۱۸).

عوامل اقتصادی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر برابری جنسیتی در ورزش تأثیر می‌گذارند. این عوامل با تأمین منابع مالی، توسعه زیرساخت‌ها و جذب اسپانسرها، می‌توانند محیطی مناسب برای رشد و شکوفایی ورزش زنان فراهم آورد. دسترسی به منابع مالی یکی از نیازهای اساسی برای توسعه ورزش زنان است. تخصیص بودجه‌های مناسب برای برنامه‌های ورزشی مختص زنان می‌تواند به افزایش

ورزش منجر گردد. توسعه مهارت‌های ورزشی و غیرورزشی برای زنان باید به‌عنوان یک اولویت در برنامه‌های آموزشی مدنظر قرار گیرد. این مهارت‌ها شامل تکنیک‌های ورزشی، توانمندی‌های رهبری، کار گروهی و مهارت‌های ارتباطی است. برنامه‌های آموزشی باید به زنان این امکان را بدهند که علاوه بر مهارت‌های ورزشی، در زمینه‌های مدیریتی و رهبری نیز توانمندی پیدا کنند (۱۱). زنان با داشتن مهارت‌های متنوع می‌توانند در عرصه‌های مختلف ورزشی و اجتماعی بهتر عمل کنند و در تصمیم‌سازی‌های مربوط به ورزش نیز نقش‌آفرینی مؤثرتر داشته‌باشند. عوامل آموزشی، از جمله برنامه‌های آموزشی، آموزش مربیان و توسعه مهارت‌ها، نقش محوری در تحقق برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران دارند. با فراهم آوردن برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای زنان و تقویت توانمندی‌های مربیان، می‌توان فضایی حمایتی برای ورزشکاران زن ایجاد کرد و آن‌ها را در راستای موفقیت‌های بیشتر در عرصه‌های ورزشی هدایت کرد (۱۲).

عوامل روانشناختی نقش اساسی در موفقیت و مشارکت زنان در ورزش دارند. تقویت این عوامل می‌تواند به ایجاد محیطی سالم و حمایت‌کننده برای ورزشکاران زن کمک کند. اعتماد به نفس یکی از عوامل کلیدی در موفقیت ورزشکاران است. برای زنان، به‌ویژه در جوامع سنتی یا فرهنگی که ممکن است با دیدگاه‌های منفی نسبت به ورزش زنان مواجه شوند، حمایت از تقویت اعتماد به نفس اهمیت زیادی دارد. برنامه‌های آموزشی و ورزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که ورزشکاران زن احساس کنند توانمندی‌های لازم برای رقابت و موفقیت را دارند. ایجاد فرصت‌های موفقیت و ارائه بازخورد مثبت به ورزشکاران زن می‌تواند به تقویت اعتماد به نفس آن‌ها کمک کند (۶). همچنین، تشویق به اشتراک‌گذاری تجربیات موفقیت‌آمیز زنان دیگر می‌تواند به‌طور مؤثری بر افزایش انگیزه آن‌ها

برخوردارند. تأمین بودجه و منابع مالی، فراهم ساختن زیرساخت‌های مناسب و ایجاد همکاری‌های میان بخش‌های دولتی و خصوصی می‌تواند به رشد و شکوفایی ورزش زنان کمک کند. این اقدامات نه‌تنها به افزایش حضور زنان در عرصه ورزش منجر می‌شود، بلکه به ارتقا تصویر زنان ورزشکار در جامعه و شناسایی ارزش آن‌ها به‌عنوان قهرمانان اجتماعی و فرهنگی نیز خواهد انجامید. بنابراین، برنامه‌ریزی دقیق اقتصادی و همکاری بین نهادهای مختلف از الزامات دستیابی به برابری جنسیتی در ورزش است (۷).

عوامل آموزشی به‌عنوان یکی از جنبه‌های کلیدی در دستیابی به برابری جنسیتی در ورزش، می‌توانند تأثیر زیادی بر مشارکت و موفقیت زنان در این حوزه داشته‌باشند. برنامه‌های آموزشی هدفمند که به نیازها و چالش‌های خاص زنان توجه دارند، می‌توانند به ارتقا مهارت‌ها و توسعه توانمندی‌های آن‌ها در ورزش کمک کنند. این برنامه‌ها باید شامل مطالبی درباره برابری جنسیتی در ورزش، جهت‌دهی به استفاده مؤثر از امکانات ورزشی و ایجاد فضایی حمایتی برای ورزشکاران زن باشند. برگزاری کارگاه‌ها و سمینارها می‌تواند به آگاهی‌سازی مربیان و ورزشکاران درباره حقوق و فرصت‌های برابر در ورزش کمک کند. همچنین، توجه به آموزش‌های تخصصی در رشته‌های مختلف ورزشی می‌تواند موجب افزایش سطح رقابت و موفقیت زنان در میادین بین‌المللی شود (۹). آموزش مربیان برای ترویج برابری جنسیتی در ورزش یکی از اقدامات ضروری است. مربیانی که به اصول و الزامات برابری جنسیتی در ورزش آگاه‌اند، می‌توانند محیطی مثبت و حمایتی را برای ورزشکاران زن ایجاد کنند. آموزش مربیان باید شامل راهکارهای تشویق ورزشکاران زن، درک چالش‌هایی که آن‌ها با آن مواجه‌اند و نحوه مدیریت تیم‌های مختلط باشد. تقویت این مهارت‌ها می‌تواند منجر به ایجاد فضای اعتماد و تشویق در تیم‌های ورزشی شود و به نوبه خود به افزایش مشارکت زنان در

اعتماد به نفس آن‌ها را افزایش دهند. الگوبرداری از این قهرمانان به ورزشکاران زن کمک می‌کند تا باور کنند که آن‌ها نیز می‌توانند به اهداف خود برسند و در عرصه‌های ملی و بین‌المللی رقابت کنند. نمایش تجارب و داستان‌های موفقیت این قهرمانان در رسانه‌ها و برنامه‌های آموزشی، می‌تواند به تقویت روحیه و انگیزه ورزشکاران زن کمک کند. ایجاد حس تعلق و ارتباط با جامعه ورزشی برای زنان بسیار مهم است. زمانی که زنان احساس می‌کنند بخشی از یک گروه یا خانواده ورزشی هستند، انگیزه و شوق بیشتری برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی نشان می‌دهند. این حس تعلق می‌تواند از طریق برگزاری رویدادها، مسابقات و کارگاه‌های اجتماعی تقویت شود، جایی که زنان می‌توانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و تجربیات خود را به اشتراک بگذارند. همچنین، ایجاد محیط‌های حمایتی و دوستانه می‌تواند به زنان کمک کند تا احساس راحتی و امنیت بیشتری کنند و در نتیجه، مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ورزشی افزایش یابد. سلامت روان تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی و عملکرد ورزشکاران زن دارد (۹).

عوامل بین‌المللی می‌توانند به‌عنوان تسهیل‌کننده‌های مؤثر برابری جنسیتی در ورزش عمل کنند. این عوامل می‌توانند به ورزشکاران زن در ایران کمک کنند تا از دستاوردها و امکانات جهانی بهره‌مند شوند. الگوهای بین‌المللی شامل قهرمانان و برنامه‌های موفقیت‌آمیز کشورهای دیگر می‌شود که می‌تواند منبع الهام برای ورزشکاران و مسئولان ورزشی ایران باشد. بررسی تجربیات مثبت و سیاست‌های موفق کشورهای که در زمینه برابری جنسیتی در ورزش پیشرفت کرده‌اند، کمک می‌کند تا رویکردهای مؤثرتری برای ترویج برابری جنسیتی در ایران اتخاذ شود (۶). به‌علاوه، ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی ورزشی که به ترویج برابری جنسیتی می‌پردازند، می‌تواند باعث انتقال دانش و تکنیک‌های نوین به داخل کشور شود

تأثیر بگذارند. مدیریت استرس برای ورزشکاران زن بسیار مهم است، به‌ویژه زمانی که با فشارهای اجتماعی، انتظارات خانواده و رسانه‌ها مواجه می‌شوند. کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی که بر روی تکنیک‌های مدیریت استرس تمرکز دارند می‌توانند به ورزشکاران زن کمک کنند تا استرس خود را بهتر مدیریت کرده و عملکرد بهتری داشته‌باشند. یادگیری تکنیک‌های تنفس، مدیتیشن، و روش‌های تمرکز می‌تواند به ارتقا کیفیت عملکرد ورزشی آن‌ها کمک کند (۱۰). برنامه‌های آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که این مهارت‌ها را در ورزشکاران زن تقویت کنند. استفاده از مربیان روانی و طرح‌های تمرین که به توسعه مهارت‌های روانی پرداخته و به ورزشکاران کمک کند تا بر چالش‌های روانی فائق آیند، می‌تواند اثرگذار باشد. این مهارت‌ها نه تنها در میدان رقابت مفید هستند، بلکه به ورزشکاران کمک می‌کنند تا در زندگی روزمره نیز موفق‌تر باشند. عوامل روانشناختی از جمله اعتماد به نفس، مدیریت استرس و توسعه مهارت‌های روانی، نقش حیاتی در ایجاد برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران دارند. با حمایت از این عوامل، می‌توان به بهبود رفتارها و عملکرد ورزشکاران زن کمک کرد و فضایی سالم برای مشارکت آن‌ها در ورزش ایجاد نمود. این اقدامات نه تنها باعث رشد و پیشرفت زنان در عرصه ورزش می‌شود، بلکه به ترویج فرهنگ مثبت‌نگر نسبت به ورزش زنان و همچنین ارتقا وضعیت کلی برابری جنسیتی در جامعه کمک خواهد کرد (۲۷).

عوامل فردی، شامل الگوهای رفتاری، حس تعلق و سلامت روان، نقش محوری در ترویج برابری جنسیتی در ورزش، به‌ویژه در جنبش المپیک ایران دارند. الگوهای موفق، به‌ویژه زنان ورزشکار، می‌توانند تأثیر عمیقی بر انگیزه و عملکرد سایر ورزشکاران زن بگذارند. وقتی دختران و زنان جوان با قهرمانان زن آشنا می‌شوند و موفقیت‌های آن‌ها را می‌بینند، این الگوها می‌توانند به آن‌ها الهام ببخشند و

و یافتن راه‌حل‌های عملی برای چالش‌های محلی را تسهیل کند. مشارکت در مسابقات بین‌المللی به زنان ورزشکار این فرصت را می‌دهد تا توانمندی‌های خود را نشان دهند و با رقابت در سطح بالاتر، تجربه‌های جدیدی کسب کنند. این مسابقات می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و توانمندی‌های رقابتی ورزشکاران زن ایرانی کمک کند. علاوه بر این، وقتی زنان ورزشکار در عرصه‌های بین‌المللی حضور فعال دارند، موجب تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به آن‌ها می‌شود و جامعه از موفقیت‌های آنان آگاه می‌شود. این دیدگاه‌های مثبت می‌تواند به حمایت بیشتر از ورزش زنان در کشور بینجامد. استفاده از تجارب جهانی در زمینه برابری جنسیتی می‌تواند به مسئولان و مدیران ورزش در ایران کمک کند تا با چالش‌های مشابه‌ای که در سایر کشورها وجود داشته است، آشنا شوند و از روش‌های مؤثر آن‌ها بهره‌برداری کنند. تجارب جهانی در زمینه ایجاد زیرساخت‌های مناسب، تأمین مالی، برنامه‌های آموزشی و بهبود فرهنگ ورزشی می‌تواند به یافتن راهبردهای جدید در راستای برابری جنسیتی در ورزش کمک کند. همچنین، گزارش‌ها و مطالب علمی منتشر شده از سوی نهادهای بین‌المللی می‌تواند به توسعه سیاست‌های ورزشی کشور کمک کند. شبکه‌سازی بین ورزشکاران، مربیان و سازمان‌های ورزشی در سطح بین‌المللی می‌تواند فرصت‌های جدیدی برای همکاری و تبادل دانش فراهم کند (۳۱). از طریق الهام‌گیری از موفقیت‌ها و چالش‌هایی که در سطح بین‌المللی وجود دارد، ورزشکاران و مسئولان ورزشی می‌توانند به بهبود وضعیت ورزش زنان در ایران کمک کنند و محیطی برابر و حمایت‌کننده برای زنان ورزشکار ایجاد کنند. این تغییرات نه تنها به ارتقا سطح کیفی ورزش زنان در ایران منجر خواهد شد، بلکه به ترویج برابری جنسیتی در جامعه وسیع‌تر نیز کمک خواهد کرد (۱۷).

عوامل فنی و تکنولوژیکی می‌توانند نقش مؤثری در ترویج برابری جنسیتی در ورزش ایفا کنند. با استفاده از فناوری‌های نوین، می‌توان به بهبود شرایط تمرینی و رقابتی ورزشکاران زن کمک کرد و فرصت‌های بیشتری برای مشارکت آنان ایجاد نمود. فناوری می‌تواند به ارتقا کیفیت آموزش و تمرین ورزشکاران زن کمک کند. استفاده از ابزارهای دیجیتال مانند ویدئوهای آموزشی، اپلیکیشن‌های تمرین و نرم‌افزارهای آنالیز عملکرد، امکان آن را فراهم می‌آورد که ورزشکاران به صورت فردی و متناسب با نیازهای خود، تمرینات مؤثرتری را انجام دهند. به‌کارگیری فناوری‌های نوین می‌تواند به مربیان کمک کند تا برنامه‌های تمرینی و توسعه‌ای را بر اساس تحلیل داده‌ها و عملکرد ورزشکاران طراحی کنند، که در نتیجه به بهبود عملکرد ورزشی زنان منجر خواهد شد. فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای تبادل اطلاعات و تجربیات میان ورزشکاران زن کمک کند. این پلتفرم‌ها می‌توانند به اشتراک‌گذاری اطلاعات در مورد فرصت‌های ورزشی، مشاوره‌های فنی، و داستان‌های موفقیت زنان ورزشکار پرداخته و احساس تعلق و حمایت جمعی را تقویت کنند. حضور در چنین فضاهایی می‌تواند زنان ورزشکار را ترغیب کند تا به فعالیت‌های ورزشی خود ادامه دهند و از تجربیات یکدیگر بهره‌مند شوند. تکنولوژی‌های پیشرفته مانند آنالیز داده و هوش مصنوعی می‌توانند در شناسایی نقاط قوت و ضعف ورزشکاران زن مؤثر باشند. با استفاده از این تکنیک‌ها، مربیان می‌توانند داده‌های مربوط به عملکرد ورزشکاران را جمع‌آوری و تحلیل کنند و بر اساس نتایج، برنامه‌های مناسب‌تری تهیه کنند. این فرآیند می‌تواند به ارتقا عملکرد و موفقیت زنان در میدانی مختلف ورزشی بیانجامد. فناوری و اینترنت دسترسی به منابع آموزشی و خبری را افزایش می‌دهد. زنان ورزشکار می‌توانند به راحتی به اطلاعات و اخبار مرتبط با ورزش، رویدادها و کلاس‌های

جنبش المپیک ایران به یک رویکرد یکپارچه نیاز دارد که تمامی ابعاد روانشناختی، اجتماعی، بین‌المللی، و فنی را در بر بگیرد. با پیگیری این رویکردها و پشتیبانی مستمر از ورزش زنان، می‌توان زمینه را برای موفقیت و دیده شدن بیشتر زنان در عرصه ورزش فراهم کرد و در نهایت به ترویج عدالت و برابری جنسیتی در جامعه کمک کرد. این تغییرات نه تنها موجب پیشرفت ورزش زنان می‌شود، بلکه می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر و فعال‌تر منجر گردد (۱۷). در راستای مولفه‌های به‌دست آمده پیشنهاد می‌شود مدیران ارشد سازمان‌های ورزشی با بررسی وضعیت موجود و شاخص‌های اشتغال بانوان در ورزش کشور، این نگرش مطلوب را به‌وسیله برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدفمند به اقدامات عملی هدایت نمایند. در تدوین برنامه‌های راهبردی و عملیاتی سازمان‌های ورزشی، عدالت سازمانی، عدالت جنسیتی و اقدامات حقوقی، اداری و فرهنگی مؤثر بر پیشرفت مدیریتی زنان مورد توجه قرار گیرد. حضور بانوان در ورزش کشور با توسعه توانایی‌های فنی، تخصصی و علمی، شرایط را جهت ارتقای جایگاه زنان در ورزش کشور را فراهم نمایند. بانوان در ورزش کشور با توسعه ویژگی‌های شخصیتی و روان‌شناختی مناسب، شرایط ارتقا و دستیابی به سطوح بالای قهرمانی را در رویدادهای ورزشی احراز نمایند. تولید و پخش مستندها و برنامه‌های تلویزیونی که داستان زندگی و موفقیت‌های زنان ورزشکار را روایت کند تا به ایجاد انگیزه در نسل‌های جدید کمک کند. ایجاد گروه‌های ورزشی مختص زنان که در آن‌ها تجارب، چالش‌ها و راهکارهای مربوط به ورزش به اشتراک گذاشته شود و احساس تعلق و حمایت جمعی تقویت شود. برگزاری رویدادها و مسابقات ورزشی مختص زنان که فضایی برای ایجاد ارتباطات جدید و تقویت دوستی‌ها فراهم آورد (۲۱). ایجاد برنامه‌های حمایتی مالی و لجستیکی برای اعزام زنان ورزشکار به مسابقات بین‌المللی و تأمین هزینه‌های لازم؛

آموزشی دسترسی پیدا کنند. این دسترسی به اطلاعات می‌تواند از طریق وب‌سایت‌ها، اپلیکیشن‌ها و شبکه‌های اجتماعی تسهیل شود و امکان آگاهی‌دهی و تأمین نیازهای ورزشی آنان را بیش از پیش افزایش دهد (۱۶).

برابری جنسیتی در جنبش المپیک ایران به‌عنوان یک هدف کلیدی، نیازمند توجه جامع به عوامل مختلف اجتماعی، روانشناختی، بین‌المللی، و فنی و تکنولوژیکی است. یافته‌های ما نشان می‌دهد که ایجاد محیطی حمایتی و برابر برای زنان ورزشکار نه تنها به بهبود عملکرد آن‌ها در میادین ورزشی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبت به ورزش زنان نیز منجر شود. ترویج فرهنگ حمایت از ورزش زنان، از طریق یادگیری از الگوهای موفق، برنامه‌های آموزشی و افزایش آگاهی عمومی، می‌تواند به ارتقا جایگاه زنان در ورزش کمک کند (۵). بهبود نگرش‌ها و باورهای عمومی درباره توانمندی‌های زنان در ورزش ضروری است. تقویت اعتماد به نفس، مدیریت استرس و توسعه مهارت‌های روانی زنان ورزشکار می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا در برابر چالش‌ها مقاوم‌تر شوند و انگیزه بیشتری برای دستیابی به موفقیت‌های ورزشی پیدا کنند. ایجاد حس تعلق و ارتباط با یکدیگر نیز نقش به‌سزایی در ارتقا روحیه و انگیزه ورزشکاران دارد. الگوبرداری از تجارب جهانی و مشارکت در مسابقات بین‌المللی، فرصت‌های جدیدی را برای زنان ورزشکار فراهم می‌آورد و به تقویت انگیزه و توانمندی‌های آن‌ها کمک می‌کند. شبکه‌سازی و برقراری ارتباطات بین‌المللی نیز می‌تواند به تبادل دانش و تجربیات کمک کند. استفاده از تکنولوژی و ابزارهای نوین در آموزش و تمرین می‌تواند به بهبود شرایط ورزشی و افزایش بهره‌وری ورزشکاران زن کمک کند (۱۵). پلتفرم‌های آنلاین برای تبادل اطلاعات و تجارب می‌توانند همکاری‌ها و حمایت‌های جمعی را تقویت کنند. به‌طور کلی، برابری جنسیتی در

این می‌تواند شامل تأمین هزینه‌های سفر، اقامت و تجهیزات باشد. ایجاد توافقات همکاری با کشورهای دیگر به‌منظور تبادل مربی، ورزشکار، و دانش فنی در زمینه‌های مختلف ورزشی. ایجاد پلتفرم‌های آنلاین برای تبادل اطلاعات، تجربیات و منابع آموزشی بین ورزشکاران زن. این پلتفرم‌ها می‌توانند شامل وبلاگ‌ها، فروم‌ها و اپلیکیشن‌های موبایل باشند.

## References

1. Bukharaei, A. An Analysis of Socio-Cultural Factors Affecting Gender Inequality (Study of Married Women aged 20-49 in Isfahan), (2015) 4 (3); 82-59 (In Persian )
2. Bakhtiar, M. Akram R. A Study of the Status of Women in Islam and Christianity, Journal of Women and Culture, (2012) 3 (11); 73-61(In Persian )
3. Ebrahimi, Q. A. Askari, A. Niknejad, M. Sociological study of the factors affecting women's tendency to participate in sports as spectators, Journal of Sports Management and Motor Behavior, . (2013) 6 (11); 68-73(In Persian )
4. Ehsani, M. Kashkar, S. Investigating the factors hindering women's participation in sports activities, Socio-psychological studies of women (Women's Studies, (2011) 5 (2); 113-134(In Persian )
5. Grossi, S. "The Effect of Stereotyped Beliefs on Gender Inequality in the Studied Family: Kerman City and surrounding Villages." MSc Finale of The Institute of Social and Economic Sciences, Alzahra University: (2005) 26-44. (In Persian )
6. Mehrizi, N. "Fertility and Gender Inequality in Family Time in Iran." MSc Thesis, University of Tehran. (2018) (In Persian )
7. Kalantari, Abdul Hossein and Faqih Imani, Fatemeh, meta-analysis of the research done on "gender inequality", (2013) <https://civilica.com/doc/1771906>
8. Sharma, L & Singh, K. Gender Equity in Sports: Addressing Disparities in Access, Resources, and Opportunities. Innovations in Sports Science, (2024) 1(1), 10-13. DOI: <https://doi.org/10.36676/iss.v1.i1.03>
9. Walton, C. C., et al. Evidence of Gender Imbalance Across Samples in Sport and Exercise Psychology. International Review of Sport and Exercise Psychology, (2023) 1–19. <https://doi.org/10.1080/1750984X.2022.2150981>
10. Reitzer, G. "Sociological Theories in Contemporary Era Translated by Mohsen Salasi." Tehran Elmiani. (2001).
11. Shadloo, S. "The role of culture in balancing gender attitudes in social life to empower women, Proceedings of the Conference on Women's Empowerment." Tehran: Women's Participation Center: (2018) 85-115. (In Persian )
12. Shamsi, A., Hosseini, M. S. Rouhani, M. "Explaining the role of socialization factors in the development of youth sports participation (Case Study: Isfahan City)." Sports Management Studies, Research Institute for Physical Education and Sport Sciences. (2016) (In Persian )
13. Wanneberg, P. L. "The sexualisation of sport: A gender analysis of Swedish elite sport from 1967 to the present day." European Journal of Women's Studies (2013) 18: 265-278.

14. Zibaiinezhad, M. R. "Gender Identity and Roles." Office of Women's Studies and Research. (2017) (In Persian )
15. Melton EN, Bryant MJ. Intersectionality: The impact of negotiating multiple identities for women in sport leadership. *Women in sport leadership: Research and practice for change.* (2017):62-82.
16. Maleki A, Parsamehr M, Ghasemi H. An Investigation into the Relationship between Sexual Norms and Women's Sport Participation (A Case Study of Women in Ilam Province). (2018). (In Persian )
17. Saadatifard P, Zahedi Mazandarani MJ, Maleki A, Javadi Yegane MR. Representation of Discursive Conflicts of Gender Equity in Development plans of IR Iran. *Social Welfare Quarterly.* (2021);17(66):107-48. (In Persian )
18. Shomali A, Nazari Azad M, Kashani M. Sociological Analysis of Gender Inequality in Sport (The Perspective of Female National Hero Athlete). *Quarterly Journal of Women and Society.* (2021);10(40):289-316. (In Persian )
19. Emami Mohammad KH, Kashkar Sara. Study and analysis of deterrents and the participation of women in Tehran in recreational sports activities,. *Research in Sports Sciences.* (2017);5(17):63 - 87. (In Persian )
20. Rahbari Rasoul BI, Mohammadpour Ahmad. Social Inequality in Leisure. *Social Welfare Research Quarterly.*, (2021);10(39):357- 89. (In Persian )
21. Kaningham, A., & Ablay, M. E. An Investigation of the Attitudes of Sports Media towards Women's Sports. *Universal Journal of Educational Research*, (2019) 7(1), 87-94.
22. Menoose, Y. E., Oh, C. O., & Chon, J. Applying the resilience principles for sustainable ecotourism development: A case study of the Nakdong Estuary, South Korea. *Tourism Management*, (2019) 83, 104-237.
23. Stavaveski, R., Zhang, J., Yu, T., Qi, H., & Ashraf, M. A. Constraints to women's participation in sports: A study of participation of Pakistani female students in physical activities. *International journal of sport policy and politics*, (2020) 11(3), 385-397.
24. Xu, Q., Fan, M., & Brown, K. A .Men's sports or women's sports?: Gender norms, sports participation, and media consumption as predictors of sports gender typing in China. *Communication & Sport*, . (2021) 9(2), 264-286.
25. Peldy, R. L. *Race and Sports: A Reference Handbook.* ABC-CLIO. (2021).
26. Organista IM. Teens' dreams of becoming professional athletes: The gender gap in youths' sports ambitions. *Sport in Society.* (2021):1-15.